



بررسی تطبیقی سیر انتخابات ریاست جمهوری در دو پارادایم حقوقی

ایران و ایالات متحده

قدرت الله نوروزی باغمچه^۱

مدرس دانشگاه، دکترای حقوق عمومی، استادیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان

محمدجواد حیدریان دولت آبادی

دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه اصفهان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۹)

چکیده

انتخابات، یکی از مهم‌ترین اشکال مشارکت سیاسی در دموکراسی‌ها است که مردم از طریق رأی، نمایندگان خود را برمی‌گزینند. البته چگونگی انجام فرایند انتخابات در دموکراسی‌های مختلف، متفاوت است. با این نگاه بررسی تطبیقی انتخابات در آمریکا و ایران نیاز به بررسی گسترده‌ای دارد؛ زیرا از یک طرف حکومت از لحاظ شکلی در آمریکا ریاستی و در ایران نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی است و از طرف دیگر مشارکت سیاسی مردم در این دو کشور متفاوت است. همچنین در آمریکا نهادهای مدنی و احزاب سیاسی شکل‌گرفته و دموکراسی استقرار یافته است. در حالی که مفاهیمی مانند: جامعه مدنی و دموکراسی در ایران به‌طور کامل تحقق نیافته است؛ لذا انتخابات هنوز نتوانسته در جایگاه واقعی خود قرار گیرد. انتخابات در آمریکا یک عامل

مشروعیت بخشی است که به اوج توسعه یافتگی نزدیک شده، ولی در ایران، علیرغم درصد بالای مشارکت مردم، به دلیل عدم نهادینه شدن احزاب هنوز توسعه و عمق لازم را پیدا کند. با توجه به این اختلافات در نظام انتخاباتی دو کشور، این پژوهش تنها به شیوه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا و ایران به لحاظ شکلی و ماهوی پرداخته است.

واژگان کلیدی

انتخابات ریاست جمهوری، جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده امریکا، نظام ریاستی، نظام نیمه ریاستی

نظام نیمه پارلمانی

A Comparative Study of presidential elections in two legal paradigm of Iran and the United States

▪ Abstract of research to English language

Election is considered as one of the most important forms of political participation of citizens in democracies. In this way, people vote to elect representative or representatives; but how to do it and even how to enter the elections in democracies is different. Due to the many differences between the administrative systems of the Islamic republic of Iran (semi-parliamentary semi Presidential) and the United States of America (Presidential), this study needs a lot of reserch. Basically, the two countries are completely different in civil status and political participation. America is a developed country where civil society and political parties are formed to increse political participation and stablish democracy. Election in U.S.A is a factor of government legitimacy; while in Islamic Republic despite the high participation of people, elections are less effective due to the lack of political parties. Concidering the great difference in these two contries' electoral systems, this Article deals only with the forms of holding presidential elections.

Keywords

Presidential election, the Islamic Republic of Iran, United States of America, presidential system, semi-presidential semi-parliamentary system



مقدمه

نظام‌های سیاسی به‌مثابه‌ی نوعی نهاد ساخته ذهن بشری‌اند و کارکرد اصلی آن‌ها تسهیل مناسبات اجتماعی و زیست مشترک است. در حوزه‌ی عمومی، این نهادها رفتار بازیگران حوزه‌ی سیاسی را چارچوب‌مند و قابل پیش‌بینی می‌سازند و از این طریق، تداوم بازی سیاسی را تضمین می‌کنند؛ به‌علاوه کیفیت طراحی نهادها در خروجی‌ها و پیامدهای نهایی آن‌ها تأثیرگذار است، هرچند تنها عامل مؤثر نیست. انتخاب هر یک از نظام‌های حکومتی، پیامدهای بسیار گسترده‌ای برای کل جامعه سیاسی دارند. باوجود این از لحاظ نظری چندین رویکرد به‌منظور تحلیل و بررسی نظام‌های حکومتی مطرح می‌شوند. برخی صرفاً به خود این نهادها به‌عنوان کارگزار و عامل اصلی این پیامدها توجه می‌کنند و برخی نظام‌های حکومتی را همراه با عواملی نظیر نظام‌های انتخاباتی، حزبی، ویژگی‌های تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و نظایر آن مورد تحلیل قرار می‌دهند. نظریه‌پردازان و طراحان قوانین اساسی^۱ امروزه، پیش از انتخاب هر نظام حکومتی تبعات به‌کارگیری هر یک از آن‌ها را عمیقاً و با استفاده از تحلیل‌های اقتصادی و اجتماعی با روش‌های متداول در علوم اجتماعی، ارزیابی و اندازه‌گیری می‌کنند و درنهایت با توجه به این تحلیل، دست به انتخاب نظام حکومتی مطلوب می‌زنند. شکی نیست که این انتخاب نهایی یک انتخاب سیاسی است؛ اما هرچند این انتخاب سیاسی با واقعیت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه سیاسی پیوند عمیق‌تری داشته باشد، احتمال توفیق نظام‌های حکومتی در برآوردن انتظاراتی که از آن‌ها می‌رود، بیشتر است.

آنچه به‌طور قاطع می‌توان در مورد این تحقیق ادعا کرد، این است که هیچ‌یک از نظام‌های حکومتی مورد مطالعه در این تحقیق مطلقاً خوب یا مطلقاً بد نیستند؛ به‌عبارت‌دیگر اگر نهادها را حاصل طراحی عامدانه و آگاهانه بشری بدانیم، همه‌ی آن‌ها به‌منظور دستیابی به غایتی طراحی شده‌اند. به همین سبب مطلوب یا نامطلوب بودن نهادها با اغراض طراحان آن‌ها نسبتی تام و تمام می‌یابند. این انتظارات می‌توانند بسیار متنوع و متفاوت باشند. اما درباره نظام‌های حکومتی به‌مثابه‌ی یک‌نهاد، بی‌استثنا همگی در پی قاعده‌مند کردن اعمال اقتدار سیاسی‌اند^۲. پرسش اصلی همه نویسندگانی که امروزه نظام‌های حکومتی را مورد مطالعه قرار می‌دهند، این است که چه نوع ترتیب نهادی یا چه نوع نظام حکومتی می‌تواند موجب تحکیم دموکراسی باشد؟

1-Constitutions

2-Political authority

این پژوهش مقدماتی برای پاسخ به مسئله امروز ایران پیرامون نظام انتخاباتی مطلوب، خصوصاً در حوزه ریاست جمهوری است. تنها فایده‌ی پژوهش حاضر آن است که ما را از رویکردها و روش‌های مطالعه این موضوع تا حدی اندک آگاه می‌سازد. به عبارت روشن‌تر می‌توان با استفاده از این پژوهش هشدار داد که باید نظام انتخاباتی، احزاب سیاسی، نوع و نحوه مشارکت مردم در حوزه سیاسی و نیز سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی، فرهنگ سیاسی و نظایر آن نیز در تصمیم‌نهایی مورد توجه قرار گیرند.

۱- شیوه انتخاب رئیس جمهور

۱-۱- در نظام جمهوری اسلامی ایران

در جمهوری اسلامی ایران احزاب جایگاه خاصی ندارند و اکثراً جریان‌های پیش‌آمده، تصمیم‌گیرنده انتخاب رئیس‌جمهور آینده هستند (نوذری: ۱۳۷۸، ۲۶۲)؛ لذا شرایط برگزاری و همچنین تعداد نامزدهای تصدی‌گری این پست با ایالات متحده آمریکا کاملاً متفاوت است. از آنجایی که سیستم دستگاه حکومتی جمهوری اسلامی ایران نیمه ریاستی- نیمه پارلمانی است (زنجانی: ۱۳۸۷، ۲۳)، رئیس‌جمهور با رأی مستقیم مردم و یک‌درجه‌ای اما تحت نظر قوه مقننه به این ترتیب و طبق فصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اصول ۱۱۳ تا ۱۲۱ که ذکر خواهد شد، انتخاب می‌گردد:

۱. مطابق اصل یکصد و سیزده؛ رئیس‌جمهور پس از مقام رهبری عالی‌ترین مقام کشور است که ریاست قوه مجریه را بر عهده‌دارند و از این لحاظ در قیاس با جایگاه رئیس‌جمهور در ایالات متحده آمریکا متفاوت است؛ چراکه در آنجا رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام محسوب می‌شود (Bancroft: ۱۳۷۹، ۸۷).

۲. بنا بر اصل یکصد و چهاردهم؛ «رئیس‌جمهور برای مدت چهار سال با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد او به صورت متوالی تنها برای یک دوره بلامانع است». این دوره چهارساله از تاریخ تنفیذ اعتبارنامه توسط مقام رهبری شروع می‌شود. بنابراین انتخاب مجدد رئیس‌جمهور به صورت متوالی تنها برای یک دوره قابل قبول است. دلیل این امر، جلوگیری از سیطره قدرت و بروز استبداد توسط فرد است؛ (صفار: ۱۳۸۷، ۱۲۵)، اما انتخاب همان شخص به صورت متناوب برای بیش از دو دوره مانعی ندارد. این درحالی که است که رئیس‌جمهور در ایالت متحده آمریکا تحت هیچ شرایطی پس از دو دوره تصدی مقام ریاست جمهوری، نمی‌تواند کاندیدای ادوار بعدی باشد (terry: ۱۳۷۸، ۱۲۹).

۳. در اصل یک‌صد و پانزدهم؛ شرایط و صفات رئیس‌جمهور ذکر شده است که به دلیل ساختار نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و فقدان احزاب نهادینه‌شده، هرکسی که این صفات را داشته باشد، می‌تواند خود را نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری کند. این مسئله شرایط نامناسبی را به وجود می‌آورد، زیرا تعداد زیادی نام‌نویسی می‌کنند و این خود باعث می‌شود تا تعداد زیادی رد صلاحیت شوند و جمهوریت نظام زیر سؤال رود (رنجبر: ۱۳۷۰، ۶۵) و همچنین تعداد زیادی هم به مرحله‌ی نامزدی برسند که این خود با ساختار دوحزبی و دو نامزدی ایالات متحده کاملاً متفاوت است (دولت رفتار حقیقی: ۱۳۸۵، ۴۵).

۴. طبق اصل یک‌صد و شانزدهم؛ «نامزدهای ریاست‌جمهوری باید قبل از شروع انتخابات آمادگی خود را رسماً اعلام کنند و نحوه برگزاری انتخاب رئیس‌جمهور را قانون معین می‌کند». و مطابق اصل یک‌صد و هفدهم رئیس‌جمهور با اکثریت مطلق آرا شرکت‌کنندگان انتخاب می‌شود.

۵. در اصل یک‌صد و هجدهم؛ مسئولیت نظارت بر انتخاب ریاست‌جمهوری بر عهده شورای نگهبان است و دلیل این امر را در اصل نود و نهم قرار می‌دهد که این امر از طریق تشکیل هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات ریاست‌جمهوری و نظار منتخب محلی صورت می‌گیرد؛ همچنین مطابق مواد ۹ و ۱۰ قانون انتخابات ریاست‌جمهوری انتخابات به صورت مستقیم و عمومی و با رأی مخفی و مدت برگزاری آن از تاریخ صدور دستور شروع انتخابات تا روز اخذ رأی جمعاً سی روز خواهد بود. قانون اساسی در اصل ۹۹ عنوان «شورای نگهبان» را برای نظارت بر کلیه انتخابات، برگزیده است. نظارت شورای نگهبان، نوعی تأکید بر رأی مردم است، در حقیقت مردم با رأی مستقیم به قانون اساسی و رأی غیرمستقیم به قانون انتخابات بر این روند، صحنه گذاشته‌اند و شورای نگهبان از طرف مردم وکالت دارد تا شرایط و صلاحیت‌ها را تشخیص دهد نه اینکه قیم مردم باشد (تقی زاده: ۱۳۸۷، ۳۳). این موضوع در همان قانون اساسی‌ای آمده است که مردم همگی با رأی مستقیم خود آن را تأیید کرده‌اند (لمتون: ۱۳۷۹، ۹۲).

۶. در اصل یک‌صد و نوزدهم عنوان شده: «انتخاب رئیس‌جمهور جدید باید حداقل یک ماه پیش از پایان دوره ریاست‌جمهوری قبلی انجام شده باشد و در فاصله انتخاب رئیس‌جمهور جدید و پایان دوره ریاست‌جمهوری سابق، رئیس‌جمهور پیشین وظایف رئیس‌جمهوری را انجام می‌دهد». و همچنین اصل یک‌صد و بیستم شرایط پیش‌آمده در صورت فوت یکی از نامزدها را متذکر می‌شود.

۷. بالاخره در اصل یک‌صد و بیست و یکم؛ نامزد پیروز در انتخابات برای تصدی پست ریاست جمهوری باید در مجلس حاضر و در حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان سوگند یاد کند و سوگندنامه را امضا کند، همچنین مطابق ماده ۲ قانون انتخابات ریاست جمهوری اعتبارنامه رئیس جمهور پس از اتمام انتخابات توسط شورای نگهبان تهیه و حضور مقام رهبری تقدیم می‌گردد و مطابق اصل یک‌صد و دهم که مربوط به وظایف و اختیارات رهبری است، در صورت امضای حکم ریاست جمهوری توسط مقام رهبری، فرد پیروز در انتخابات به‌عنوان رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌گردد.

۸. بر اساس قانون، انتخاب‌کنندگان نیز باید دارای این شرایط باشند:

۱. تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران؛

۲. داشتن ۱۵ سال تمام؛

۳. عدم جنون؛

۱-۲- در نظام ایالت متحده آمریکا

۱. ایالات متحده بر اساس نظام ریاستی و اصل تفکیک قوا اداره می‌شود؛ در نتیجه قوه مجریه کاملاً از قوه مقننه استقلال دارد. در آمریکا رئیس جمهور عالی‌ترین مقام کشور است و عملاً از سوی مردم و از طریق انتخابات مستقیم دودرجه‌ای انتخاب می‌شود (جعفری ندوشن: ۱۳۸۳، صص ۱۸۳ و ۱۸۴). در این سیستم پس از رقابت‌های درون حزبی و مشخص شدن نامزدهای حزبی، مردم هر ایالت هیئت انتخابی رئیس جمهوری را انتخاب می‌کنند که این شیوه از لحاظ قانونی دودرجه‌ای است (داربی: ۱۳۶۹، ۳۵)؛ اما نامزدهای هیئت‌های انتخابی در برابر مردم تعهد می‌نمایند که به نامزد حزب خود رأی دهند که این خود به معنی رأی مردم نامزد موردعلاقه خود است (دارابی: ۳۹). البته این شیوه مشکلاتی را در بردارد و به‌عنوان مثال ممکن است اتفاق افتد که نامزدی از رأی کمتری در میان مردم برخوردار باشد، اما از سوی هیئت‌های انتخابی به‌عنوان رئیس جمهور معرفی شود^۱ که این ایراد توسط پدران قانون‌گذار ایالات متحده به این صورت توجیه شده که این امر برای

۱- جالب آنکه تاکنون ۱۵ مرتبه در تاریخ ایالات متحده، چنین اتفاقی به وقوع پیوسته است؛ یعنی کاندیدایی به حکومت رسیده‌اند که حتی نصف آرای مردمی را نیز کسب نکرده‌اند: آبراهام لینکلن، وودرو ویلسون، هری ترومن، جان کندی و یچاردنیکسون، هیچ‌یک برای ورود به کاخ سفید نیازمند ائتلاف با حزب سوم یا کاندیدای منفرد نبوده‌اند؛ هم‌چنین بیل کلینتون در سال ۱۹۹۲ تنها ۴۳٪ و در سال ۱۹۹۶ ۴۹٪ آرای مأخوذه را کسب نمود؛ یعنی هر دو بار عدم پیروزی مطلق در آرای مردمی.

جلوگیری از توده‌ای شدن انتخاب و همچنین فردی که شایستگی تصدی‌گری این پست را دارد به مقام ریاست‌جمهوری برسد (دوورژه: ۱۳۵۲، ۱۷۷).

۲. شیوه برگزاری انتخابات در ایالات‌متحده منحصر به فرد و خاص است. این روش محصول نتایج کنوانسیون ۱۷۸۷ م است که در پی آن کنفدراسیون حاصله از ترکیب ۱۳ دولت مستقل تبدیل به ۱۳ ایالت وابسته به دولت واحدی شدند، که باعث شد همواره و حتی در قانون اساسی فدرال موضوع حقوق و اختیارات دولت فدرال و ایالت‌های وابسته و ایجاد نوعی تعادل و توازن میان آن‌ها به‌طور جدی مطرح شود.^۱ به همین علت انتخابات ریاست‌جمهوری و نامزدی در آن در ایالات‌متحده با سایر دموکراسی‌ها متفاوت است. هدف از ایجاد سیستم هیئت‌های انتخاباتی در انتخابات ریاست‌جمهوری و ایجاد سیستم کنوانسیون‌های ایالتی در نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری، تبدیل آرا و احساسات محلی و بومی به‌نوعی احساسات ملی و واحد بوده است (دوورژه: ۱۸۶).

از نظر تاریخی به وجود آمدن احزاب سیاسی در آمریکا مقدم بر انتخابات ریاست‌جمهوری و نامزدی آن بوده است. بدین معنی که به وجود آمدن نوعی تعادل میان نظرات متعارض در اولویت قرار داشته و سپس به انتخاب رهبر جمهوری توجه نشان می‌دادند (هریسی نژاد، ۱۳۹۰، ۱۴۷). به این ترتیب به وجود آمدن طیف وسیعی از اندیشه‌های متعارض در دو حوزه باعث پدید آمدن دو گرایش سیاسی عمده شد که در نهایت با نهادینه شدن آن‌ها، سیستم دوحزبی آمریکا شکل گرفت. پس از همان ابتدای امر، نزاع سیاسی شناخته‌شده حول دو محور: «تمرکز گرایی^۲» و «تمرکز زدایی^۳» باعث به وجود آمدن دو حزب فدرالیست و آنتی فدرالیست گردید. پس از آن رهبران استقلال و نخبگان سیاسی آمریکا در پروسه‌ی جدیدی به نام انتخابات ریاست‌جمهوری - برای اجرای اصل دوم قانون اساسی فدرال - داخل شدند. در این سیستم هیچ‌گاه حزب سومی نمی‌تواند شکل بگیرد و همچنین نامزدهای منفرد عملاً هیچ شانس ندارند. حتی اگر بتوانند آرای مردمی قابل ملاحظه را گرد آورند، اما چون سیستم پیچیده انتخاباتی - حزبی آمریکایی به‌گونه‌ای طرح‌ریزی شده که اولویت با آرای هیئت‌های انتخابی

۱- فعالیت طرفداران نظام کنفدرال با یک سیستم فدرال منجر به تشکیل نخستین حزب سیاسی در ایالت متحده ی آمریکا کرد که نام این حزب، حزب فدرالیست بود و تاریخ تشکیل آن به ۱۷۸۹ م. بازمی‌گشت. در مقابل، طرفداران نظام سابق کنفدراسیون که خواهان کاهش اقتدارات دولت مرکزی و افزایش اختیارات محلی بودند، در سال ۱۷۹۲ حزب جمهوری‌خواه یا آنتی فدرالیست را تأسیس کردند. در حقیقت این سرآغازی بود برای بنیان‌گذاری سیستم دوحزبی یا bipartism در آمریکا.

است؛ لذا در این حالت تشکیل «هیئت‌های انتخاباتی» مانعی دیگر بر سر راه نامزد منفرد یا احزاب کوچک بوده که در نتیجه حتی قادر به اکتساب یک «کارت انتخاباتی»^۱ در سرتاسر ایالات متحده‌ی آمریکا نیز نخواهند بود (شیخ اسلام: ۱۳۸۰، ۱۰۱). عدم موفقیت نامزدهای منفرد و احزاب ثالث در بدنه‌ی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، ناشی از وضعیت تاریخی انحصار آمیز دو حزب حاکم و قوانین داخلی ایالت‌های ۵۰ گانه بوده که مانع عمده‌ای بر سر راه نامزدهای انتخاباتی غیر از دو حزب جمهوری خواه و دموکرات می‌باشد. با وجود این که میان قوانین اساسی همه‌ی ایالات تفاوت‌های بارزی وجود دارد، اما مکانیسم درونی آن‌ها طوری چیده شده که بدون این که مانعی برای احزاب ثالث داشته باشند، ایجاد آن‌ها را با مشکل‌های عدیده‌ای روبرو کرده است.

۳. انتخابات محلی نامزدهای ریاست جمهوری:

ولادمیر کی می‌نویسد: «به شکلی خاص، در ایالات متحده سازمان سیاسی ملی وجود ندارد، بلکه هر یک از دو حزب حاکم از مجموعه‌ای از سازمان‌های سیاسی ایالتی و محلی تشکیل شده‌اند» (هاشمی، ۱۳۸۶، ۷۸). طبق قانون اساسی فدرال قوانین داخلی احزاب در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری از قوانین ایالت‌ها برتری دارد. در ابتدا دو حزب جمهوری خواه و دموکرات از طریق برگزاری کنوانسیون‌های ایالتی، نامزدهای مختلف حزبی خود را معرفی می‌کنند تا اینکه سرانجام در کنوانسیون ملی هریک از دو حزب حاکم بر روی یک نامزد واحد برای حزبشان به توافق می‌رسند (طاهری فدان: ۱۳۹۳، ۱۳۴). بنابراین در ابتدای امر، شاهد نوعی رقابت «درون حزبی» برای انتخاب نامزدها هستیم و پس از آن نوبت به رقابت «بین حزبی» برای انتخاب رئیس جمهور می‌رسد. بدین منظور از آغاز سال انتخاباتی، هر چهار سال یکبار کمیته‌های حزبی ایالتی، کنوانسیون‌های محلی خود را در زمستان و بهار تشکیل می‌دهند. این کنوانسیون‌ها یا مینی کنوانسیون‌ها عهده‌دار انجام دو وظیفه مهم‌اند:

۱- معرفی نامزد یا نامزدهای ریاست جمهوری حزبی - ایالتی

۲- معرفی هیئت‌های انتخاب کننده نامزد نهایی ریاست جمهوری حزبی - ملی

۱- در انتخابات آمریکا برای تعرفه‌ی رأی مردمی از *bollet* استفاده می‌شود و البته نباید این را با *electoral cart* که کارت‌های الکتروال هر نامزد ریاست جمهوری اشتباه گرفت.

در کل برگزاری کنوانسیون‌های ایالتی از دو طریق در تاریخ انتخابات صورت گرفته است:

الف) جلسه سران حزب

ب) انتخابات مقدماتی

در حال حاضر انتخابات مقدماتی و اشکال سیستمی باز و بسته جهت ایجاد کنوانسیون‌های ایالتی رواج بیشتری دارد که مبتنی بر مشارکت انحصاری رهبران حزب، یا اعضای رسمی و سابقه‌دار حزب، یا تمامی اعضا و طرفداران حزب، یا کلیه شهروندانی که تحت عنوان حزب ثبت‌نام کرده‌اند و سرانجام تمامی شهروندان ایالت ولو از حزب مخالف می‌باشد (وفادار: ۱۳۷۴، ۱۴۶).

سیستم بسته: در آن حق رأی مختص شهروندانی است که برای دریافت برگه رأی‌گیری تحت نام حزبی خاص ثبت‌نام کرده‌اند. به این ترتیب که رأی‌دهندگانی که وابستگی خود را به یکی از دو حزب حاکم اعلام کرده‌اند، فقط می‌توانند در انتخابات مقدماتی حزب متبوع خود شرکت نمایند.

سیستم باز: در آن حق رأی مختص تمامی شهروندان واجد شرایط رأی دادن در آن ایالت می‌باشد. بدین ترتیب، حتی افرادی که برای دریافت برگه رأی‌گیری در حزب رقیب ثبت‌نام کرده باشند می‌توانند آزادانه در انتخابات مقدماتی هر دو حزب شرکت نمایند. در این حالت، همان‌طور که یک رأی‌دهنده دموکرات می‌تواند در انتخابات مقدماتی حزب جمهوری خواه شرکت نماید، یک شهروند جمهوری خواه می‌تواند در انتخابات مقدماتی حزب دموکرات شرکت کند. به هر حال به واسطه برگزاری کنوانسیون‌های ایالتی هر یک از دو حزب حاکم، اقدام به انتخاب نمایندگانی برگزیده یا همان هیئت‌های انتخاب‌کننده برای شرکت در کنوانسیون ملی می‌کنند. سیستم انتخابات مقدمات حزبی که منجر به تشکیل کنوانسیون‌های «ایالتی - حزبی»^۱ می‌شود، با وجود پیچیدگی‌های خاص سه مزیت دارد:

- ✓ از استبداد حزبی و سلسله‌مراتب تشکیلاتی می‌کاهد.
- ✓ باعث آشنایی مردم با برنامه‌های انتخاباتی نامزدها در طول برگزاری انتخابات مقدماتی می‌شود.
- ✓ این امکان را به کاندیداهای گم نام می‌دهد که بتوانند خود را به دیگران بشناسانند گرچه فرصت چندانی در کنوانسیون ملی ندارند؛ اما برای دوره بعد شناخته شده هستند.

۴. کنوانسیون ملی حزبی یا انتخاب نهایی نامزد ریاست جمهوری

با پایان کنوانسیون‌های ایالتی، تمام منتخبین حزبی ایالت‌ها یا همان هیئت‌های انتخاب‌کننده نامزد نهایی ریاست جمهوری در کنوانسیون ملی احزاب که در فصل تابستان برگزار می‌شود، حضور به هم می‌رسانند. در واقع، وظیفه‌ی کنوانسیون ملی هر یک از دو حزب حاکم که به آن «هیئت‌های انتخاباتی کاندیدای ریاست جمهوری» لقب داده‌اند، تعیین نامزد نهایی جمهوری خواهان و دموکرات‌ها برای انتخابات ریاست جمهوری می‌باشد (عباسی: ۱۳۸۹، ۱۵۷). بنابراین تمامی نامزدهایی که از طریق کنوانسیون‌های ایالتی - حزبی معرفی شده بودند در صورتی که اعلام انصراف نکرده باشند، در دستور کار کنوانسیون ملی قرار خواهند گرفت. درخواست هر کاندیدا با توجه به سوابق حزبی، فعالیت سیاسی، مناسب دولتی و از همه مهم‌تر میزان محبوبیت و موقعیت در انتخابات مقدماتی مطرح می‌شود. هدف نهایی هر یک از دو حزب جمهوری خواه و دموکرات، انتخاب نامزدی است که از بیش‌ترین شانس موقعیت در انتخابات ریاست جمهوری برای پیروزی بر کاندیدای حزب رقیب برخوردار باشد. البته کنوانسیون ملی وظیفه انتخاب دو نفر را بر عهده دارند: نامزد ریاست جمهوری و نامزد معاونت ریاست جمهوری؛ زیرا در انتخابات رسمی، مردم به رئیس جمهور و معاونش که نام هر دو در یک لیست قرار دارد، رأی می‌دهند (داد درویش: ۱۳۸۴، ۱۶۸).

۵. انتخاب رئیس جمهوری

سرانجام پس از تعیین نامزدها توسط هر یک از دو حزب، به مرحله انتخاب عالی‌ترین مقام کشور ایالات متحده توسط مردم می‌رسیم که مبتنی بر دو مرحله جدا از هم است که یکی شامل رقابت همه شهروندان آمریکایی است و دیگری غیرقابل لمس برای مردم است که شامل سیستم منحصر به فرد الکتورال کالج است که منعکس کننده رأی مردم است. که این دو مرحله گاهی بر هم منطبق‌اند؛ یعنی رأی مردم همان است که از درون الکتورال کالجها درمی‌آید و گاهی هم بر هم منطبق نیستند و رأی مردم آنی نخواهد بود که از درون الکتورال کالجها درمی‌آید.^۱

۵-۱- سیستم قانون اساسی (مکانیسم هیئت‌های انتخاباتی):

برگزاری انتخابات عمومی در اولین سه‌شنبه‌ی ماه نوامبر تنها اولین گام از رویه پیچیده‌ای است که رئیس‌جمهور به واسطه آن برگزیده می‌شود. در حقیقت بر اساس قانون اساسی، انتخابات ماه نوامبر برای کاندیدای ریاست‌جمهوری نیست، بلکه برای گزینش انتخاب‌کنندگان یا الکتورها است که متعاقباً رئیس‌جمهور را انتخاب می‌نمایند (علوی: ۱۳۸۹، ۲۷۵). هر ایالتی بر مبنای قانون، تعدادی از انتخاب‌کننده‌ها را که با تعداد تمام نمایندگان آن ایالت در مجلس عام و سناتورهای آن در سنای ایالات‌متحده مساوی هستند را تعیین می‌کند.^۱

۵-۲- مکانیسم همه‌ی آرا از آن برنده:

تعداد کل هیئت‌های انتخاباتی ایالات‌متحده آمریکا، ۵۳۸ نفر است؛ زیرا تعداد نمایندگان مجلس نمایندگان ۴۳۵ نفر و شمار سناتورهای مجلس سنا ۱۰۰ نفر می‌باشد. سه نفر از آن تعداد، بر اساس اصلحیه بیست و سوم قانون اساسی (مصوبه‌ی سال ۱۹۶۱) به بخش کلمبیا (مرکز دولت ایالات‌متحده یعنی واشنگتن) تعلق دارند. اگرچه واشنگتن دارای نماینده مجلس و سناتور به معنای واقعی کلمه نیست، ولیکن اهالی آنجا نمی‌توانند از حق انتخاب ریاست‌جمهوری محروم باشند. پس بدین ترتیب، در مجموع ۵۳۸ نفر انتخاب‌کننده، اعضای کالج‌های انتخاباتی را که در ایالت‌های پنجاه‌گانه تشکیل شده و وظیفه نهایی انتخاب رئیس‌جمهور آمریکا را بر عهده دارند، تشکیل می‌دهند (هیوود: ۱۳۸۷، ۲۹). سیستم الکتورال کالج یا هیئت‌های انتخاباتی، سیستمی مبتنی بر «همه از آن برنده» است. این سیستم بدین گونه است که هر نامزدی که بیشترین رأی عمومی مردم را در یک ایالت به دست آورد، تمام رأی‌های الکتورال (هر انتخاب‌کننده یک رأی) همان ایالت از آن او خواهد بود. به عبارت دیگر برنده اکثریت آرای مردم در هر ایالت در انتخابات عمومی، تمام آرای هیئت انتخاباتی آن ایالت را به نفع خود خواهد داشت (طباطبایی: ۱۳۸۱، ۶۳ - ۷۳).

۱- از آنجایی که در زمان جنگ‌های استقلال بسیاری از شخصیت‌های سیاسی مانند هملیون، آدمز از مهاجرینی بودند که از اروپا آمده بودند و مهاجرت آمریکا را کسب کرده بودند، اجازه داده شد تا کسانی که تابعیت اکتسابی نیز داند، کاندید شوند. اما پس از تصویب قانون اساسی فدرال تنها تابعیت‌های مضاعف خاک و خون (gus sanguinius gus solius) برای احراز ریاست‌جمهوری مناسب بود.

در ماه دسامبر بعد از برگزاری انتخابات عمومی، هیئت‌های انتخاباتی (هم دموکرات‌ها و هم جمهوری خواهان)، بر اساس اینکه کدام‌یک از کاندیدها رأی اکثریت مردم آن ایالت را به دست آورده است در مراکز ایالتی خود جلسه‌ای تشکیل داده و برای انتخاب رئیس‌جمهور و معاون رئیس‌جمهور رأی می‌دهند. زمانی که پیش‌نویس قانون اساسی تدوین می‌شد، در اندیشه و تصوّر بنیان‌گذاران اولیه این بود که انتخاب‌کننده‌ها بر مبنای نظر و عقیده خود تصمیم بگیرند که کدام کاندیدا برای رئیس‌جمهور شدن مناسب است. (مدنی: ۱۳۸۶، ۲۱۱) اما در سیستم فعلی الکتراکالج، انتخاب‌گرها رأی خود را به نفع نامزدی به صندوق می‌اندازند که در آن ایالت بیش‌ترین میزان رأی را در انتخابات عمومی کسب کرده باشد.^۱

برای انتخاب شدن به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا، یک کاندیدا باید نصف به‌علاوه یک از ۵۳۸ رأی هیئت‌های انتخاباتی را به دست آورد. بنابراین یک کاندیدا برای برنده شدن به ۲۷۰ رأی الکتراکالج نیاز دارد، اگرچه تعداد آرای مردمی و در مقایسه با رقیبش کمتر باشد. چنین موردی، در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۰ روی داد و بوش پسر با کسب ۲۷۱ رأی انتخاباتی توانست الگور را شکست دهد؛ درحالی‌که الگور دست‌کم دویست هزار رأی مردمی، بیش‌تر از بوش کسب کرده بود. هرگاه هیچ‌یک از نامزدها نتواند حداقل آرای انتخاباتی را به دست آورند (که در طول تاریخ آمریکا دو بار در سال‌های ۱۸۰۰ و ۱۸۲۴ اتفاق افتاده است) انتخاب رئیس‌جمهور به عهده کنگره خواهد بود (بوشهری: ۱۳۸۵، ۲۴۹).

۲- شرایط کاندیداهای ریاست‌جمهوری

۲-۱- کاندیداتوری در جمهوری اسلامی

به‌موجب اصل ۱۱۵ قانون اساسی: «رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد این شرایط باشند انتخاب گردد. «ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور». اگرچه داوطلب شدن برای احراز پست ریاست‌جمهوری حق هرکسی است، و به‌موجب قانون اساسی همه افراد ملت به‌طور یکسان در حمایت قانون قرار

۱- در ژانویه ۱۹۴۸، کنگره‌ی آمریکا تصویب می‌کند که انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در سرتاسر ایالت متحده ی آمریکا در روز واحد یعنی «سه‌شنبه‌ی پس از اولین دوشنبه‌ی ماه نوامبر» صورت می‌گیرد.

دارند؛ اما به خاطر اهمیت مقام ریاست‌جمهوری ویژگی خاص آن، قانون اساسی و همچنین قانون انتخابات ریاست‌جمهوری، شرایطی را برای داوطلبان قائل شده است (کدخدایی، ۱۳۹۰، ۱۵۵) که به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. مرد بودن:

اصل ۱۱۵ قانون اساسی قید «رجال مذهبی و سیاسی» را بکار برده است؛ این قید تاکنون بحث‌های فراوانی را به دنبال داشته و موجب اختلاف‌نظرهای زیادی در بین نویسندگان شده است. عده‌ای از نویسندگان و محققان معتقدند که منظور قانون‌گذار از واژه «رجال» چهره‌های شاخص مذهبی و سیاسی است؛ نه لزوماً مردان سیاسی و مذهبی (شعبانی، ۱۳۸۳: ۱۲۴). عده‌ای نیز معتقدند که از لحاظ لغوی کلمه «رجال» به معنای "مردان" است و قانون اساسی، شرط مرد بودن را برای داوطلبان ریاست‌جمهوری لازم دانسته است (زراعت، ۱۳۸۸: ۱۵۸) که در مذاکرات خبرگان قانون اساسی دو نظر و دیدگاه در مورد این مسئله مورد بحث قرار گرفته است:

الف) قید "مرد" بودن ضرورتی ندارد؛ زیرا زنان همانند مردن، احياناً بتوانند به آن مرحله از تکامل و پویایی برسند که با داشتن تقوی و قدرت سیاسی، در مقام وکالت مل، قدرت اجرایی پیدا کنند که در این صورت (چون امر ولایت مطرح نیست) به لحاظ احراز شایستگی مورد تأیید مقام رهبری قرار گیرند. در فقه اسلامی، مسئله‌ی ولایت مخصوص مردهاست. از طرف دیگر ریاست‌جمهوری فقط امر وکالت نیست؛ بلکه عین حکومت و از امور مربوط به ولایت و از مسلمات فقه اسلامی به شمار می‌رود. بنابراین زنان به هیچ‌وجه حق حکومت ندارند. با توجه به مذاکرات خبرگان اول قانون اساسی و نظر برخی از فقها که در آن گفتگوها نیز حاضر بودند، روشن است که منظور آن‌ها، شرط رجولیت بوده است. یعنی رئیس‌جمهور باید مرد باشد و در سیستم حکومت اسلامی زنان نمی‌توانند به سمت حاکمیت بخصوص در سطح ریاست‌جمهوری دست یابند.

ب) در انتقاد از این اصل قانون اساسی و این نوع تفسیر از آن، باید گفت که اگر جهت و علت منع زن از کاندیدا شدن برای احراز ریاست جمهوری را عدم توانائی و قدرت او بدانیم، صحیح نیست؛ زیرا در طول تاریخ در برخی کشورها، توانائی و قدرت او بدانیم، صحیح نیست؛ زیرا در طول تاریخ در برخی کشورها، زنان زیادی به این مقام دست پیدا کرده‌اند و چه بسا که عملکرد آنها از یک مرد هم بهتر باشد و اگر جهت آن را منع شرعی بدانیم، باز هم با توجه به برابری زن و مرد، این نظر قابل قبول نیست، چون شرع و فقه اسلامی فقط در امر قضاوت و ولایت برای زنان محدودیت قائل شده است، و به نظر می‌رسد که ریاست‌جمهور بودن جدای از مسئله ولایت باشد و ولایت فقط محدود به مقام رهبری بود که رهبری نیز جدای از مقام ریاست‌جمهوری است؛ بلکه مقام بالاتر و در رأس هرم قدرت در نظام جمهوری اسلامی قرار دارد (مشروح مذاکرات اصل ۱۱۵ ق.ا).

بنابراین اصل، برابری زن و مرد، در احراز پست‌ها و مشاغل است و محدودیت زنان جنبه استثنائی دارد که تنها باید درجایی آن را اعمال کرد که بدان تصریح شده باشد. اما می‌بینیم که اولاً شرط ذکوریت یا رجولیت ریاست‌جمهوری در فقه متصور نیست؛ ثانیاً در انتخابات ریاست‌جمهور و کیل مردم است بنابراین در شرط وکالت زن یا مرد تفاوتی ندارند. از طرف دیگر ریاست‌جمهوری موضوع جدیدی است که پس از آن در فقه مذهبی شیعه به وجود آمده و فقط شیعه هم در مورد آن حکمی ندارد (هاشمی، ۱۳۸۶، ۱۴۷).

۲. مذهبی و سیاسی بودن:

قانون اساسی در اصل ۱۱۵ پس از بیان «رجال» صفت و قید «مذهبی و سیاسی» آورده است، منظور این است که داوطلب ریاست‌جمهوری، هم باید دارای حس سابقه سیاسی و اطلاعات لازم در امور مزبور باشد و هم از لحاظ مذهبی فرد لایقی باشد. فقدان هر یک از این دو شرط برای احراز این سمت مناسب نیست. شرط فوق را می‌توان مبین چهره اجتماعی داوطلبانی دانست که با داشتن شهرت فراوان مذهبی و سیاسی نزد مردم،

خود را برای رقابت انتخاباتی آماده می‌سازند. بسیاری از افراد ممکن است که دارای اعتقادات مذهبی و یا تفکرات سیاسی باشند، اما به این اوصاف مشهور نباشند، تا با توجه به حسن شهرت سیاسی و مذهبی آنان، قادر به انتخاب شخص اصلح باشند. این امر البته وقتی ممکن خواهد بود که داوطلبان، پس از فعالیت های دینی و سیاسی سابقه درخشان کسب کرده باشند.

۳. ایرانی‌الاصل بودن:

این قید دارای ابهاماتی است که باید توجه به مقام خطیر ریاست‌جمهوری، نسبت به آن احتیاط و وسواس زیادی به خرج داد. شاید بتوان ایرانی‌الاصل را معادل تابعیت اصلی ایرانی (مقابل تابعیت اکتسابی) قرار داد، حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان کسی را که پدر او یا پدر پدر او دارای تابعیت اکتسابی ایران بوده، ایرانی‌الاصل دانست؟ در پاسخ می‌توان گفت که با توجه به حساسیت این مقام "ایرانی‌الاصل بودن" فراتر از تابعیت اصلی بوده و علاوه بر شخص موردنظر داوطلب ریاست‌جمهوری باید برای پدر او هم قائل به "تابعیت اصلی" بود. به نظر می‌رسد انگیزه مقنن از ذکر ایرانی‌الاصل بودن، ایجاد علقه‌ی عمیقی است که می‌بایست در داوطلب ریاست‌جمهوری وجود داشته باشد (هاشمی: ۱۹۸).

۴. تابعیت ایران:

تابعیت عبارت از رابطه سیاسی، معنوی و حقوقی است، که شخصی را به دولت معینی مرتبط می‌سازد. قانون اساسی قید «تابعیت ایران» را از این لحاظ برای کاندیداها قائل شده است که بین رئیس‌جمهور و کشور تحت مدیریت او پیوند همه‌جانبه سیاسی، معنوی و حقیقی وجود داشته باشد تا با توجه به علایق ملی، وظایف سنگین خود را عهده‌دار باشد. اگر رئیس‌جمهور تابعیت ایران را نداشته باشد، آن‌طور که شایسته است نسبت به مملکت، خود را مسئول نمی‌داند و از طرفی شرکت در حاکمیت تنها به تابعان آن کشور اختصاص می‌یابد. این قید برای داوطلبان ریاست‌جمهوری امری بدیهی بوده است و دور از مصالح و منافع کشور است که ریاست‌جمهوری، تابعیت کشور دیگری را داشته باشد (پدرام، ۱۵۱، ۱۳۸۷). می‌بینیم که حتی در انتصاب مشاغل پائین تر از ریاست‌جمهوری نیز برای تابعان اکتسابی، قانون، ممنوعیت قائل شده است؛ چنانچه در ماده ۹۸۲ قانون مدنی مقرر شده است.

۵. مدیریت و تدبیر:

ریاست قوه مجریه و دومین مقام مملکت و اداره کشور بزرگی چون ایران، بدون داشتن مدیریت و تدبیر، امری غیرممکن است. بنابراین داوطلب مقام ریاست جمهوری باید دارای مدیریتی عالی و تدبیری نیکو باشد و این هر دو شرط را می‌توان از سابقه او پی برد. اصولاً مدبّر و تدبیر صفت کیفی است و میزان آن بستگی به درایت، سابقه و عوامل دیگر دارد؛ بنابراین رئیس‌جمهور باید فردی باشد که در مواقع ضروری توان حل مشکلات را داشته باشد و با برنامه‌ریزی و درایت، امور مملکتی را اداره نماید. در غیر این صورت اداره کشور با مشکل مواجه می‌شود و چه‌بسا که زیان‌های غیرقابل جبرانی به آن وارد شود. مشکل عمده در ارزیابی این معیار برای داوطلبان، تعیین معیار و میزانی مشخص برای وجود وضعیت کیفی تدبیر و مدیریت باشد (همان: ۱۵۳).

۶. حسن سابقه، امانت و تقوی داشتن:

حسن سابقه برای مقام ریاست جمهوری امری لازم می‌باشد و مسلّم است فردی که در مراتب پائین تر حاکمیت سابقه روشنی نداشته باشد، برای احراز پست ریاست جمهوری شایسته نیست؛ اما در مورد امانت‌داری و تقوی باید گفت که این دو امری است درونی و پی بردن به اعتقادات افراد امری است بس مشکل. چه‌بسا افراد خصلت واقعی خود را کتمان نموده و خود را موجه جلوه دهند. به‌طور کلی تظاهر عقیده در کوتاه مدت بروز نمی‌نماید، به همین دلیل است که قانون‌گذار در اصل ۱۱۵ «حسن سابقه» را قبل از «امانت و تقوی» آورده است. باین‌وجود اعمال و کردارهای گذشته فرد تا حدودی بیانگر شخصیت و اخلاق فرد است. به‌طور مثال کسی که مرتب مبادرت به کارهای خلاف و غیر مشروع می‌کرده، مسلّم است که از تقوی به دور است. یا اگر فردی سابقه چند مورد کلاه‌برداری یا خیانت‌درامانت داشته باشد از لحاظ امانت‌داری فرد معتمدی نیست.

۷. ایمان و اعتقاد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور:

رئیس‌جمهور باید به مبانی جمهوری اسلامی ایران اعتقاد داشته باشد و در مراتب سوگند، خود را متعهد پاسداری از نظام جمهوری اسلامی، ترویج دین و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه اطهار بداند. از طرف دیگر بیشتر جمعیت کشور ایران دارای مذهب اثنی عشری بوده و نظام جمهوری اسلامی هم بر پایه همین مذهب بنا نهاده

شده است. بنابراین طبیعی است که رئیس‌جمهور آن، شیعه اثنی‌عشری باشد. بدین‌جهت شرط مذهب رسمی از شروط مطلق برای رسیدن به این مقام است و دارندگان سایر مذاهب از رسیدن بدان ممنوع می‌باشند.

۸. عدم محرومیت از حقوق اجتماعی:

در قانون اساسی اشاره‌ای به این شرط نشده ولی در ماده ۱۰ قانون انتخابات ریاست‌جمهوری مصوب ۱۳۶۰/۶/۱۳ مجلس شورای اسلامی، بر قیود موجود در قانون اساسی افزوده است؛ چون کسی که در دادگاه‌های کشور محکوم به محرومیت از حقوق اجتماعی شده، نمی‌تواند از حق انتخاب شدن برای احراز مقام ریاست‌جمهوری برخوردار گردد. البته این شرط بدان جهت در قانون اساسی ذکر نشده که می‌توان این مورد را مشمول شرط داشتن حسن سابقه و امانت و تقوی دانست.

۲-۲- شرایط کاندیداهای ریاست‌جمهوری در آمریکا:

قانون اساسی آمریکا در ماده دو برای داوطلبان احراز پست ریاست‌جمهوری شرایطی را قرار داده است که عبارت‌اند از:

۱. در خاک آمریکا متولدشده باشد.

داوطلب ریاست‌جمهوری کافی است که در خاک آمریکا متولدشده باشد، هرچند که در زمان تولد تبعه آمریکا نبوده است. یعنی اگر فردی از اتباع سایر کشورها در آمریکا متولد شود و پس از مدتی تبعه آمریکا شود، می‌تواند داوطلب پست ریاست‌جمهوری شود.

۲. حداقل ۳۵ سال سن داشته باشد.

قید شرط سنی داوطلبان پست مهم ریاست‌جمهوری، در آن‌هم در کشور بزرگی چون آمریکا با اختیارات زیادی که رئیس‌جمهور در آن کشور دارد، امری طبیعی و بسیار عالی است. بنابراین کسی که داوطلب پست ریاست‌جمهوری می‌شود، باید حداقل ۳۵ سال سن داشته باشد، تا با پختگی و تجربه بیشتری به این امر خطیر بپردازد و جایی برای سهل‌انگاری و بی‌تجربگی و یا پیروی از احساسات که معمولاً در میان جوانان بیشتر دیده می‌شود، باقی نماند.

۳. مدت ۱۴ سال قبل از نامزد شدن در خاک آمریکا مقیم بوده باشد:

لزوم آشنایی با اوضاع و احوال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و موقعیت کنونی کشور موجب قرار دادن این شرط برای نامزدها شده است؛ به همین جهت لازم است نامزدها حداقل ۱۴ سال قبل از نامزد شدن در آمریکا مقیم باشند، تا به طور کامل در جریان امور بوده و در اداره امور با مشکلی روبرو نشوند.

۴. تبعه‌ی آمریکا باشد.

لزومی به ذکر این شرط، به عنوان یک شرط مستقل نیست؛ چون به طور ضمنی در اولین شرط از شرایط نامزدها ذکر شده است و همان طوری که بیان گردید آمریکا از اصل خاک برای تابعیت افراد پیروی می‌کند و کلیه‌ی کسانی که در خاک آن کشور متولد می‌شوند تبعه آمریکا محسوب می‌شوند. اما برخی از نویسندگان به لحاظ یادآوری و تذکر از آن به عنوان یک شرط جداگانه نام برده‌اند (داری، ۱۳۶۹، ۱۵۸). منظور از تابعیت، تابعیت اصلی است؛ چون در شرط اول گفته شده بود که متولد آمریکا باشد (چنین فردی دارای تابعیت اصلی است)، پس اگر کسی دارای تابعیت اکتسابی باشد نمی‌تواند کاندیدای پست جمهوری آمریکا باشد. شروط تعیین شده در قانون اساسی برای ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا به دلیل نقش مهم وی است. رئیس جمهور بزرگ‌ترین مسبب قانون‌گذاری بوده و به طور گسترده محرک بزرگ‌کنگره است. بنابراین به نسبت اختیارات زیاد و نقش مؤثر او می‌بایست شرایط مشکل‌تری نیز برای داوطلبان پست ریاست جمهوری در نظر گرفت؛ اگرچه این مقام توسط رأی مردم برگزیده می‌شود و خود مردم نیز به این امور و شرایط توجه می‌کنند؛ اما این امر موجب نمی‌شود که هیچ شرطی برای نامزدها قائل نشد و همه را به تشخیص خود مردم واگذار نمود.

۳- نحوه‌ی گزینش کاندیداهای ریاست جمهوری

۳-۱- چگونگی تعیین صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری در ایران

صرف دارا بودن شرایط مندرج در اصل ۱۱۵ قانون اساسی برای شرکت در انتخابات و کاندیداتوری پست ریاست جمهوری کافی نیست؛ بلکه باید صلاحیت کاندیداهای پست ریاست جمهوری به تأیید شورای نگهبان هم برسد. شرایط موجود در اصل ۱۱۵ جزو شروط ثبوتی و شرایط مربوط به تأیید از شورای نگهبان جزو شرایط

اثباتی است. به همین منظور در قسمتی از بند نهم اصل صد و دهم آمده است: صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تائید شورای نگهبان و دوره اول به تائید رهبر برسد. مبنای این امر آن است که ممکن است مردم نتوانند به اندازه کافی اطلاعات لازم را در مورد کاندیداهای ریاست جمهوری کسب نمایند و ندانسته به افرادی رأی دهند که با ظاهرسازی و فریب دادن همیشگی مردم، موفق به نیل به این پست مهم شوند؛ هرچند که رئیس‌جمهور با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود، اما تشخیص شرایط ویژه موردنظر برای مردم شاید مشکل و در برخی اوقات غیرممکن باشد (اسماعیلی، ۱۳۸۳، ۳۷). بدین جهت قبل از انتخابات صلاحیت داوطلبان باید توسط مرجعی صالح، بی‌نظر و متخصص مورد بررسی قرار گیرد، و افراد صالح مورد تائید قرار گیرند. این مرجع شورای نگهبان است که دو خصیصه‌ی اسلامی و سیاسی بودن رئیس‌جمهور را تائید می‌کند. قانون انتخابات ریاست جمهوری، مصوب ۱۳۶۴/۴/۵. جریان تعیین صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری را ذکر نموده که اینک بدان اشاره می‌شود.

در ماده ۵۵ این قانون مقرر شده است که: «داوطلبان ریاست جمهوری یا نمایندگان تمام‌الاختیار آن‌ها که رسماً معرفی شده باشند باید ظرف پنج روز از تاریخ انتشار دستور شروع انتخابات به وزارت کشور مراجعه نموده و پرسشنامه ثبت‌نام را پس از دریافت و تکمیل همراه با (مدارک هویت) به وزارت کشور تسلیم و رسید دریافت دارند. وزارت کشور پس از پایان مهلت قبولی داوطلبی، بلافاصله مدارک داوطلبان را به دبیرخانه شورای نگهبان تسلیم می‌دارد. شورای نگهبان ظرف پنج روز (و در صورت ضرورت حداکثر تا ۵ روز دیگر) از تاریخ وصول مدارک داوطلبان به صلاحیت آنان رسیدگی و نظر خود را صورت جلسه نموده و یک نسخه از آن را به وزارت کشور ارسال می‌دارد».

در ماده ۶۰ این قانون هم آمده است: «وزارت کشور موظف است پس از وصول نظریه شورای نگهبان، اسامی نامزدهای ریاست جمهوری را با استفاده از وسایل ارتباط جمعی ظرف مدت دو روز به اطلاع مردم سراسر کشور برساند».

برای نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری، شورای نگهبان هیئتی بنام هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری مرکب از هفت نفر عضو اصلی و سه نفر عضو علی‌البدل تشکیل می‌دهد. اضافه می‌شود که شورای نگهبان می‌تواند در صورت اثبات تخلف با ذکر دلیل نسبت به ابطال یا توقف انتخابات در سراسر کشور، یا بعضی از مناطق اقدام کند و نیز باید گفته شود که وزارت کشور مأمور اجرای انتخابات ریاست جمهوری بوده و

مسئول صحت اجرای جریان انتخابات است (لطفی: ۱۳۸۹، ۲۵). ملاحظه می‌شود که نظارت شورای نگهبان شامل تمام مراحل انتخابات است و این‌گونه نیست که پس از تأیید صلاحیت کاندیداها و در جریان انتخابات، نقش شورا، اتمام یافته باشد؛ بلکه در جریان انتخابات و پس از آن هم می‌تواند به ابطال انتخابات اقدام نماید. نکته‌ی دیگر در مورد اصل ۱۱۰ قانون اساسی و بند نهم آن این‌که در مورد اولین انتخابات ریاست جمهوری، اگر قبل از تشکیل نخستین شورای نگهبان انجام گیرد، نظارت بر آن را رهبر و به‌موجب اصل ۱۱۸ انجمن نظارت بر انتخابات که توسط قانون تعیین می‌شود بر عهده خواهد داشت. بر اساس این اصل اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری با نظارت انجمن‌های نظارت طبق آئین‌نامه خاص مصوب ۱۳۵۸/۹/۲۸ مجلس شورای اسلامی انجام پذیرفت و شورای نگهبان در آن به دلیل عدم تشکیل، نقشی نداشته است.

۲-۳- چگونگی تعیین صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری در آمریکا

در ایالات متحده آمریکا به دلیل غیردینی بودن حکومت شرط مذهب در خصوص حائزان شرایط ذکر نشده است، اما وجود شرط مالی یعنی عدم فرار مالیاتی برای ریاست جمهوری نکته تازه‌ای است که در دو کشور ایران و فرانسه مشاهده نمی‌شود. وجود این شرط نشان از این مطلب دارد که کاندید ریاست جمهوری می‌بایست به تکالیف اجتماعی خود عمل نماید.^۱ بدین لحاظ سایر شرایط همچون سن ۳۵ سال و تابعیت نیز در خصوص ریاست جمهوری آمریکا شاهد هستیم. در ایالات متحده، به دلیل شیوه برگزاری دودرجه‌ای انتخابات، می‌توان گفت تنها مرجعی که به کنترل و تعیین صلاحیت نامزدها می‌پردازد هیئت انتخاباتی است.

۱- روند «impeachment» فرایند پیچیده‌ای است. در ابتدا کمیته‌ای از طرف مجلس نمایندگان مأمور تحقیق می‌شود. اگر آت‌های محرز گردد پرونده پس از تأیید دوسوم رأی مجلس نمایندگی به سنا فرستاده می‌شود و رأی به حکومت در صورت تأیید دو سومی اعضای کنگره صادر می‌شود. شایان ذکر است این مصداق به علت مقام بالای ریاست جمهوری بسیار نادر است؛ برای نمونه جانسون در سال ۱۹۷۴، قبل از آنکه فساد مالی‌اش فاش شود، پشت پرده استعفا کرد.

۴- نحوه‌ی برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری

۴-۱- چگونگی برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران

۱. قانون انتخابات ریاست‌جمهوری ایران در فصل دوم در باب کیفیت انتخابات مواد ۱۰ به بعد آن را به جریان برگزاری انتخابات اختصاص داده است که ناظر به جزئیات آن می‌باشد: بلافاصله پس از صدور دستور شروع انتخابات از طرف وزارت کشور هیئت اجرایی شهرستان و بخش، متشکل از معتمدین محلی و با شرکت فرماندار یا بخشدار رئیس ثبت‌احوال و رئیس دادگستری یا نماینده وی در محل تشکیل می‌گردد، این هیئت با تشکیل شعب ثبت‌نام و اخذ رأی، کلیه امور انتخاباتی را از آغاز تا انجام بر عهده‌دارند. داوطلبان ریاست‌جمهوری یا نمایندگان تام‌الاختیار آن‌ها که رسماً معرفی شده‌اند، باید ظرف پنج روز از تاریخ انتشار دستور شروع انتخابات به وزارت کشور مراجعه نموده و پرسشنامه تکمیل و مدارک مربوط به ثبت‌نام را تسلیم و رسید دریافت دارند. وزارت کشور پس از پایان مهلت قبول مدارک، بلافاصله مدارک داوطلبان را به دبیرخانه شورای نگهبان تسلیم می‌دارد. شورای مذکور ظرف مدت پنج روز صلاحیت آن‌ها را تأیید و نظر خود را به وزارت کشور اطلاع می‌دهد. وزارت کشور موظف است پس از وصول نظر شورای نگهبان، اسامی نامزدهای ریاست‌جمهوری را با استفاده از وسایل ارتباط جمعی ظرف مدت دو روز به اطلاع مردم سراسر کشور برساند. داوطلبان ریاست‌جمهوری زیر نظر کمیسیون تبلیغات که متشکل از وزیر کشور دادستان کل کشور و رئیس سازمان صداوسیما می‌باشد، حق تبلیغات سالم را با رعایت ضوابط قانونی از طریق رادیو و تلویزیون و مطبوعات و آگهی‌های تبلیغاتی خواهند داشت.
- مسئولیت نظارت بر انتخابات ریاست‌جمهوری بر عهده شورای نگهبان است که از طریق تشکیل هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات ریاست‌جمهوری (متشکل از پنج نفر از افراد مسلمان منتخب شورای نگهبان) و ناظر منتخب مجلس بر کلیه مراحل انتخابات و جریان‌های انتخاباتی و اقدامات وزارت کشور و هیئت‌های اجرایی و صحت انتخابات نظارت دارد (قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست‌جمهوری).
۲. انتخابات به صورت مستقیم و عمومی با رأی مخفی و مدت برگزاری آن از تاریخ صدور دستور شروع انتخابات تا روز اخذ رأی جمعاً سی روز خواهد بود. اخذ رأی در داخل و خارج کشور فقط در یک روز انجام می‌شود و مدت آن ده ساعت است و در صورت ضرورت به تشخیص وزیر کشور قابل تمدید است. همچنین اخذ رأی باید در روز جمع انجام گیرد. رئیس‌جمهور با اکثریت مطلق آراء شرکت‌کنندگان انتخاب

می‌شود؛ ولی هرگاه در دور نخست هیچ‌یک از نامزدها چنین اکثریتی به دست نیاورد، روز جمعه هفته بعد برای بار دوم رأی گرفته می‌شود. در دور دوم تنها دو نفر از نامزدها که در دور نخست آراء بیشتری داشته‌اند شرکت خواهند کرد، ولی اگر بعضی از نامزدهای دارنده آراء بیشتر، از شرکت در انتخابات منصرف شوند از میان بقیه که در دور نخست بیش از دیگران رأی داشته‌اند برای انتخاب مجدد معرفی می‌شوند. چنانچه در مرحله دوم یکی از دو نفر حائز اکثریت، فوت نماید مهلت انتخابات برای دو هفته تمدید می‌شود. اعتبارنامه‌ی ریاست‌جمهوری پس از اتمام انتخابات توسط شورای نگهبان تهیه و در حضور مقام رهبری تقدیم می‌گردد.

با نگرشی به اصل ۱۰۷ قانون اساسی و قانون انتخابات ریاست‌جمهوری ملاحظه می‌شود که از اصول مهم انتخابات یکی اصل اکثریتی بودن انتخابات و دیگری اصل مستقیم بودن آن است. مستقیم یا یک‌درجه‌ای بودن یعنی این‌که مردم بدون واسطه رئیس‌جمهور خود را از میان کاندیداهای معرفی‌شده انتخاب کنند. بعد از برگزاری انتخابات کسی که واجد اکثریت مطلق آراء است، به‌عنوان رئیس‌جمهور معرفی می‌شود. در صورتی که کسی اکثریت مطلق آراء را حائز نشود، انتخابات به دور دوم کشیده می‌شود، در دور دوم انتخاب‌ها تنها بین دو نفر از کاندیداهایی که بیشترین آراء را کسب نموده‌اند، برگزار می‌شود و از بین این دو نفر، کاندیدایی که بیشترین رأی را به دست آورد، رئیس‌جمهور می‌شود.

۳. برای رسمی شدن مقام ریاست‌جمهوری مراحل دیگری نیز لازم است که به ترتیب زیر است:

الف) امضای حکم ریاست‌جمهوری توسط رهبر

ب) ادای سوگند در مجلس شورای اسلامی توسط رئیس‌جمهور.

آغاز دوره ریاست‌جمهوری اسلامی ایران از تاریخ تنفیذ اعتبارنامه وسیله مقام رهبری آغاز می‌گردد.

۴-۲- چگونگی برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری در آمریکا

۱. در ابتدا انتخاب رئیس‌جمهور آمریکا به‌صورت دودرجه‌ای بود، به این صورت است که رئیس‌جمهور توسط قوه مقننه ایالات انتخاب می‌شد، ولی این شیوه تغییر یافت و امروزه انتخاب‌کنندگان از طریق انتخاب لیستی از بین اتباع دولت‌های فدرال برگزیده می‌شوند. ابتدا در ماه نوامبر مردم ایالات نمایندگان خود را برای "هیئت انتخاب‌کنندگان" انتخاب می‌کنند. تعداد اعضاء این هیئت در هر ایالت برابر است با تعداد نمایندگان آن ایالت در کنگره. در ماه دسامبر اعضاء منتخب هیئت انتخاب‌کنندگان به شخصی که از طرف

کنگره حزب خود به عنوان نامزد ریاست جمهوری و یا نامزد معاونت انتخاب شده رأی می‌دهند؛ بنابراین وقتی اعضاء هیئت انتخاب‌کنندگان از جانب مردم در هر ایالت انتخاب می‌شوند. در همان موقع مشخص است رئیس‌جمهور و معاون او از حزب دمکرات است یا حزب جمهوری خواه. اما تشریفات قانون اساسی انجام می‌شود، آراء اعضای هیئت انتخاباتی مورد تأیید قرار می‌گیرد. در عمل می‌توان گفت که انتخابات ریاست جمهوری به طور مستقیم انجام می‌شود؛ زیرا کاندیداهای ایالات برای هیئت انتخاباتی، از قبل اعلام می‌کنند که به چه کسی برای ریاست جمهوری رأی خواهند داد. وقتی مردم کاندیداهای هیئت انتخاباتی را انتخاب می‌کنند، می‌دانند که چه کسی را برای ریاست جمهوری در نظر گرفته‌اند. می‌توان گفت که در آمریکا انتخاب رئیس‌جمهور با مرحله نامزدی یا پیشنهاد نامزد ریاست جمهوری شروع می‌شود که این قسمت طولانی‌ترین و وسیع‌ترین قسمت انتخابات است؛ چراکه طی آن شدیدترین کشمکش‌ها میان نامزدهای هر یک از دو حزب در درون حزب بروز می‌کند تا بتواند شخصی را برای نامزدی پست ریاست جمهوری انتخاب کنند. نطق‌های انتخاباتی نامزد ریاست جمهوری نیز از عوامل مؤثر در سرنوشت اوست. به خصوص هنگامی که از موضوعی طرفداری یا با امری مخالفت می‌ورزد (باقری فارسانی، ۱۳۹۳، ۱۴۸). وضع هنگامی بحرانی خواهد شد که به هر طرف روی آورد و هر نظر و عقیده‌ای ابراز دارد گروهی از حامیان خود را از دست بدهد. در عمل کاندیدایی شانس پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری را دارد که عضو یکی از دو حزب دمکرات یا جمهوری خواه باشد. احزاب در درون خود یک مجمع خاص به نام کنگره دارند که معرفی کاندیدا را برای ریاست جمهوری و معاون او بر عهده دارند. کنگره، مرکب از نمایندگان حزبی ایالات مختلف است. از دیگر وظایف این کنگره مسئولیت تنظیم و تصویب اعلامیه در مورد خط‌مشی آینده حزب و تصمیم‌گیری در مورد سازمان حزب ظرف چهار سال آینده است. شمارش آراء و تعیین معاون رئیس‌جمهور نیز به همان ترتیب فوق خواهد بود؛ مگر در مواردی که هیچ‌یک از داوطلبان حائز اکثریت مطلق نشده باشند که در این صورت مجلس سنا معاون رئیس‌جمهور را از میان دو تن حائز اکثریت نسبی انتخاب خواهند کرد (باقری فارسانی: ۱۵۰).

۲. نظام انتخاب رئیس‌جمهوری در آمریکا، همواره مورد انتقاد صاحب‌نظران بوده است. یکی از این ایرادها، روش تعیین نامزد مقام ریاست جمهوری توسط مجامع حزبی است که آزادی عمل مردم در انتخاب افراد مورد نظر خود، سلب می‌شود. ایراد دیگر عدم تناسب بین هیئت انتخاب‌کنندگان ملی (تمام کشور) و هیئت انتخاب‌کنندگان ایالتی است، به طوری که ممکن است شخصی اکثریت مطلق آرای ملت را به دست آورده و باز هم

به ریاست جمهوری انتخاب نشود و یک شخص با کسب آرای هیئت‌های انتخاب‌کنندگان ایالات کوچک‌تر آمریکا در انتخابات رئیس‌جمهوری پیروز شود. قصد نویسندگان قانون اساسی آمریکا این بود که انتخاب رئیس‌جمهور از مداخله و نفوذ مستقیم مردم برکنار باشد و انتخاب او در صلاحیت گروهی معدود از برگزیدگان به نام «هیئت انتخاب‌کنندگان» قرار گیرد، برای حفظ ظاهر قانون اساسی، صورتی از «هیئت انتخاب‌کنندگان» که در صدر آن، نام نامزد مقام ریاست‌جمهوری و معاون وی قید گردیده است به‌وسیله حزب تهیه می‌شود و مفهومی این است که هرگاه این افراد برگزیده شوند، ملزم هستند که به نامزدهای حزب رأی بدهند. بدین ترتیب آرای اقلیت ولو بافاصله بسیار کمی از آرای اکثریت قرار گرفته باشد، به حساب نخواهد آمد (شهبازی: ۱۳۸۰، ۱۲۲-۱۲۳). در آمریکا سرمایه‌گذاری برای انتخابات نقش اساسی دارد، و همه‌چیز بر محور دلار می‌چرخد؛ به‌گونه‌ای که کسی بدون تأمین هزینه‌های سنگین آن به‌خصوص هزینه‌های تبلیغاتی آن نمی‌تواند حتی قدمی پیش رود، تازمان مرحله انتخاب نامزد ریاست‌جمهوری و نامزد معاون ریاست‌جمهوری در کنوانسیون هر حزب، تمام هزینه‌ها بر عهده شخص نامزد و اطرافیان می‌باشد (مدنی: ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۹۶).

۳. رئیس‌جمهور در ایالات‌متحده آمریکا دارای اختیارات فراوانی است و آخرین مرجع صدور دستورات مهم است، وی هم ریاست دولت و هم ریاست حکومت را بر عهده دارد. در سیستم انتخاباتی این کشور، رئیس‌جمهور الزاماً بر مبنای اکثریت آرا یا نصف به‌علاوه یک آرا به کاخ سفید راه پیدا نمی‌کند. در برخی موارد، نامزد حائز اکثریت آرا در پشت درهای بسته کاخ سفید، کاخ ریاست‌جمهوری، باقی خواهد ماند (طباطبایی مؤتمنی: ۱۳۸۰، ۶۱). نظام انتخاب رئیس‌جمهور در آمریکا، همواره موردانتقاد صاحب‌نظران بوده است. یکی از این ایرادها روش تعیین نامزد مقام ریاست‌جمهوری توسط مجامع حزبی است که آزادی عمل مردم در انتخاب افراد موردنظر خود، سلب می‌شود. ایراد دیگر عدم تناسب بین هیئت انتخاب‌کنندگان ملی (تمام کشور) و هیئت انتخاب‌کنندگان ایالتی است، به‌طوری‌که ممکن است شخصی اکثریت مطلق آرای ملت را به دست آورد و بازهم به ریاست‌جمهوری انتخاب نشود و یک شخص با کسب آرای هیئت‌های انتخاب‌کنندگان ایالات کوچک‌تر آمریکا در انتخابات رئیس‌جمهوری پیروز شود. چنان‌که در ۸۷۶ روتزفوردو در ۱۸۸۸ بنیامین هارسیون و در سال ۲۰۰۰ جورج بوش رقبای خود را علی‌رغم رأی بیشتر رقبا شکست (جعفری ندوشن: ۱۳۸۳، ۱۸۹).

❖ به این ترتیب ملاحظاتی در باب « شیوه انتخاب رئیس‌جمهور، شرایط کاندیداهای ریاست‌جمهوری، نحوه گزینش کاندیداهای ریاست‌جمهوری و برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری »

در دو نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده‌ی آمریکا در تصویری جزئی، ارائه گردید.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که قبلاً ذکر شد نظام جمهوری اسلامی ایران در مواردی متفاوت از سایر نظام‌های دموکراسی مرسوم در دنیاست. این نظام مدل جدیدی تحت عنوان دموکراسی دینی ارائه داده است و البته تأکید ویژه‌ای بر انتخابات دارد؛ از طرف دیگر در نظام جمهوری اسلامی ایران به دلیل فقدان احزاب کارآمد و نهادینه نشدن نظام حزبی به‌نوعی رئیس‌ان جمهور با نظر و خواست مؤثر مردمی برگزیده نمی‌شوند تا منویات آن‌ها را اجرا کنند که از این نظر به دلیل ایراداتی که به‌نظام انتخاباتی ایالات متحده گرفته می‌شود، نقطه‌ی اشتراک دارند.

همان‌طور که در بحث انتخابات آمریکا مطرح شد گاهی رأی مردمی با رأی الکتورزها منطبق نمی‌شود و این الکتورزها هستند که در نهایت منویات خود را به اجرا می‌گذارند تا فرد موردنظر خود را در رأس حکومت بگذارند. اما واقعیت امر این است که همین منطبق نبودن آراء عمومی با رأی نمایندگانشان برخلاف قوانین دموکراسی است و می‌توان گفت که در آنجا هم صاحبان قدرت حرف اصلی را می‌زنند. به‌این ترتیب مشخص گردید که در آمریکا انتخاب رئیس‌جمهوری دو مرحله‌ای است و در این زمینه نیز تاریخ انتخابات در آمریکا نشان داده است که رقابت‌ها تنها بین دو حزب دموکرات و جمهوری خواه وجود دارد و سایر احزاب و کاندیداها به دلایلی، همچون نداشتن توان مالی گسترده، عدم برخورداری از حمایت نهادهای سیاسی و شخصیت‌های مؤثر سیاسی و غیره شانس برای راه‌یابی به کاخ سفید ندارند.

البته در مقام مقایسه باید گفت که در ایران رئیس‌جمهوری با انتخاب مستقیم مردم به قدرت می‌رسد و توسط نهادی مورد تأیید قرار می‌گیرد که خود نقشی در انتخاب آن‌ها ندارد و باید از شرایطی چون تابعیت ایران، مدیر و مدبر بودن، حسن سابقه و امانت و تقوا و از این قبیل موارد برخوردار باشد. بدیهی است که این دو نظام انتخاباتی کاملاً متفاوت از هم بوده و عاری از نقص نیز نیستند. باشد که در رفع نقیصه‌های سیاسی و حکومتی در جهت اعتلای اندیشه‌ی دموکراسی بشریت گام‌های گسترده‌ای برداشته شود.

منابع

الف) منابع فارسی

- ۱- اسماعیلی، محسن (۱۳۸۳)، «نقش رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، زمستان، شماره ۲۶، صفحات ۱۹-۴۴.
- ۲- بوشهری، جعفر (۱۳۸۴)، *حقوق اساسی؛ متون قوانین اساسی، فرانسه، آلمان، سوئیس، انگلستان و آمریکا*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم.
- ۳- پدرام، سعید و مقصودی، مجتبی (۱۳۸۷)، «حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری»، *مجله مجلس و پژوهش*، شماره ۳۶، صفحات ۱۰۸-۱۳۲.
- ۴- تنک، آندره (۱۳۷۴)، *حقوق ایالات متحده آمریکا*، ترجمه: سید حسین صفایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- ۵- جعفری ندوشن، علی‌اکبر (۱۳۸۳)، *تفکیک قوا در حقوق ایران، آمریکا و فرانسه*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
- ۶- داد درویش، رضا (۱۳۸۴)، *کتاب آمریکا، ویژه نظام انتخاباتی*، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- ۷- داربی، شایریان (۱۳۶۹)، *تحولات سیاسی در ایالات متحده آمریکا*، ترجمه: رحیم قاسمیان، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ۸- دارابی، علی (۱۳۸۸)، «جامعه‌شناسی انتخاباتی و رفتار انتخاباتی در ایران»، *فصلنامه‌ی سیاست خارجی*، شماره ۷، صفحات ۳۰۸-۳۴۴.
- ۹- دولت رفتار حقیقی، محمدرضا (۱۳۸۵)، «جایگاه رئیس‌جمهور در نظام جمهوری اسلامی ایران»، *مجله‌ی حقوق عمومی*، شماره ۲، صفحات ۴۲-۶۸.
- ۱۰- دوورژه، موریس (۱۳۵۲)، *رژیم‌های سیاسی*، ترجمه: ناصر صدرالخاطی، تهران: انتشارات شرکت کتاب‌های جیبی، چاپ سوم.

- ۱۲- زراعت، عباس و حاجی‌زاده، حمیدرضا (۱۳۸۱)، **آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، جلد اول، تهران: انتشارات دانش‌پذیر، چاپ اول.
- ۱۳- زنجانی، عمید (۱۳۸۴)، **حقوق تطبیقی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
- ۱۴- ---- (۱۳۸۴) **کلیات حقوق اساسی**، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول.
- ۱۵- رنجبر، وحید (۱۳۹۱)، «مطالعه‌ی دوران ریاست‌جمهوری»، **فصلنامه‌ی مجلس و پژوهش**، تابستان، شماره ۴۶، صفحات ۶۳ - ۷۶.
- ۱۶- شعبانی، قاسم (۱۳۸۳)، **حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران**، جلد اول، تهران: انتشارات اطلاعات چاپ اول.
- ۱۷- شهبازی، محبوب (۱۳۸۰)، **تقدیر مردم‌سالاری**، تهران: انتشارات روزنه چاپ اول.
- ۱۸- شیخ‌الاسلام، محسن (۱۳۸۰)، **حقوق اساسی تطبیقی**، شیراز: انتشارات کوشامهر چاپ اول.
- ۱۹- صفار، محمدجواد (۱۳۷۲)، **آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: مرکز آموزش دولتی چاپ چهارم.
- ۲۰- طاهری فدان، دانیال و باقری فارسانی، مهدی (۱۳۹۳)، «بررسی نظام‌های سه مدیریت اجرایی و هم‌سنجی نظام انتخاباتی ایران با الگوهای سه‌گانه و واشکافی اندیشه تشکیل کمیسیون انتخابات»، **فصلنامه‌ی حقوق تطبیقی**، شماره ۳، صفحات ۱۲۷ تا ۱۵۱.
- ۲۱- طباطبایی، سید محمد (۱۳۸۱)، **سیاست و انتخابات در ایالات‌متحده آمریکا**، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ چهارم.
- ۲۲- طباطبائی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۰)، **حقوق اساسی**، تهران: انتشارات میزان چاپ دوم.
- ۲۳- عباسی، بیژن (۱۳۸۹)، **مبانی حقوق اساسی**، تهران: انتشارات جاودانه جنگل چاپ دوم.
- ۲۴- علوی، پرویز، صادقیان، نادعلی (۱۳۸۹)، «ریشه‌های فکری اصل تفکیک قوا، اهمیت و دسته‌بندی نظام‌های سیاسی بر پایه تفکیک قوا»، **فصلنامه‌ی حقوق**، تابستان، شماره ۲، صفحات ۲۷۳-۲۵۹.
- ۲۵- علی زاده اشکوری، ذبیح‌الله (۱۳۸۱)، **حقوق اساسی**، تهران: انتشارات فردوس، چاپ اول.
- ۲۶- قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۵)، **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**، تهران: دانشگاه تهران.

- ۲۷- کدخدایی، عباسعلی (۱۳۹۰)، «مفهوم قوه مجریه»، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۲، صفحات ۱۵۳-۱۳۴.
- ۲۸- گراوندی، امین (۱۳۹۱)، «مطالعه‌ی تطبیقی انتخابات ریاست جمهوری در ایران و ایالات متحده-ی آمریکا»، نشر مقالات حقوقی دادگستر، شماره ۱، صفحات ۱۲ - ۲۸.
- ۲۹- لطفی، اسدالله (۱۳۸۹)، حقوق اساسی و ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات جاودانه جنگل چاپ اول.
- ۳۰- لمتون، آن.کی.اس (۱۳۷۹)، نظریه‌ی دولت در ایران، گردآوری و ترجمه چنگیز پهلوان، تهران: انتشارات گیو، چاپ اول.
- ۳۱- مدنی، جلال‌الدین (۱۳۷۶)، حقوق اساسی تطبیقی، تهران: انتشارات پایدار چاپ دوم.
- ۳۲- تقی زاده، جواد (۱۳۸۷)، «انتخابات ریاست جمهوری در قانون اساسی»، فصلنامه‌ی مدرس علوم انسانی، شماره ۳، صفحات ۲۴ - ۶۰.
- ۳۳- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۷)، «نگاهی گذرا به احزاب سیاسی و انتخابات، مشارکت سیاسی، احزاب انتخابات»، مجموعه مقالات، تهران: انتشارات سفیر چاپ اول.
- ۳۴- وفادار، علی (۱۳۷۴)، حقوق اساسی و تحولات سیاسی، تهران: انتشارات شروین، چاپ اول.
- ۳۵- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۶)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، تهران: انتشارات میزان، چاپ پانزدهم.
- ۳۶- هریسی نژاد، کمال‌الدین (۱۳۸۶)، حقوق اساسی تطبیقی، جلد اول، چاپ دوم، تبریز: آیدین.
- ۳۷- هیوود، اندرو (۱۳۸۷)، مفاهیم کلیدی در علم سیاست، ترجمه: کاردان کلاهی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.

ب) منابع لاتین

- 38- Jordan (terry) 1999, **the u.s constitution and fascinating facts about it.** Naperville oak Hill publishing company.
- 39- George Bancroth 2000, **History for mation of the coustitution,** the law book exchange ltd union new jersy.